

## بررسی تظاهرات هفتم ماه می

امیرفیض- حقوقدان

هرکار اجتماعی خاصه از نوع سیاسی آن همواره با دستاوردها و اعتراضات و کمبود هائی روبروست و برای اینکه تجربه تظاهرات بتواند سرمایه کارسیاسی محسوب شود باید نه تنها تظاهرات بل هر فعالیت سیاسی در محور بررسی و آشنائی با ضایعات و مشکلات قرارگیرد.

تظاهرات، صرفنظر از تعداد شرکت کنندگان که آن جنبه مادی تظاهرات است جنبه معنوی آن متوجه شعارهاست که معلوم شود تظاهرات برای چیست و خواننده تظاهرات کیست زیرا که تظاهرات همانطور که از نامش پیداست نوعی ارایه قدرت است و مقصود از ارائه قدرت این است، قدرتی که در تظاهرات بصورت یک وزنه سیاسی متبلور شده است به دنبال خواست ها و اهدافی است که بصورت شعار در تظاهرات عنوان شده است و معنای معتبر دیگر آن این است که این قدرت توقف ناپذیر است و همچنان در حال تزیید و رفعت و تحرک است تا به خواستههای خود برسد.

اینجاست که قدرت مادی تظاهرات که ناشی از تعداد شرکت کنندگان و شخصیت سیاسی آنها در تظاهرات است وزن سیاسی حقیقی به خواستههای تظاهرات میدهد و برعکس در تظاهرات ناتوان مسئله خواسته های تظاهرات محور در ناتوانی و ضعف قدرت مادی تظاهرات میشود و به همین دلیل اهمیت، قدرت مادی تظاهرات است که همواره ملاک سنجیدن ارزشیابی تظاهرات قرار داده میشود.

### ضربه به مبارزه

**بهرروی، تظاهرات هفتم می تصور میکنم آنطور که برگزار کنندگان آن انتظار داشتند مطلوب نبود و اگر هم بود در حد نیاز و انتظار مبارزه ۴ میلیون ایرانی خارج از کشور نبود و نمیتوان انکار کرد که حاصل تظاهرات هفتم می یک ضربه کاری به مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی شد.**

بنابراین اولین تکلیفی که روبروی دست اندرکاران تظاهرات و رسانه های پیوسته با آن تظاهرات قرار دارد بررسی جامع برای شناخت علت عدم تناسب تظاهرات با انتظارات و وعده های رسانه ای است.

بررسی و باصطلاح کالبد شکافی سیاسی و اجتماعی تظاهرات به معنای جبران مافات و جلوگیری از تجدید آن و اصلاحاتی است که نتیجه آن استواری مبارزه خواهد بود.

### رفراندوم دات کام ۶۰ میلیونی

اگر یادتان باشد در سالهای قبل آقایان محسن سازگارا و عطری که آن روزها نقش فخر آور و دست اندرکاران تظاهرات هفتم می را ابازی میکردند برنامه دات کام ۶۰ میلیونی امضا را راه اندازی کردند و با همه

کوشش و حمایت شخص اعلیحضرت نتوانستند بیش از ۳۰ هزار امضا جمع کنند که بسیاری هم امضا هایی بی خبر از صاحبانش بود، ولی دست اندرکاران آن رفتارندم به بررسی وکالبد شکافی این شکست پرداختند و علت این شکست را حضور رضا پهلوی (بقول آنها) دانستند که سنگر هم مقاله ای نسبت به موضوع اختصاص داد.

اکنون تکرار میشود، مهمترین وظیفه رسانه های پشت و حامی دعوت به تظاهرات و نیز دست اندرکاران آن تکلیف دارند که علت، نمیگویم شکست؛ زیرا شکست، اگر مترتب بر هر دو جبهه مالی و معنوی نباشد شکست محسوب نمیشود ولی بهرحال علتی که تظاهرات را مطلوب انتظار نساخته شناسایی و اعلام دارند.

این تحریر در نهایت علاقه آماده است که علت ناکامی تظاهرات را بصورت نظر مطرح سازد ولی الویت این اظهار نظر با دست اندرکاران تظاهرات است.